

Research Article

**A Critique and Analysis of the Arguments of Believers in
Hurmat and Permissibility of News from the Celestial Rulings**

Mohammad Danesh Nahad¹

Mohammad Hassan Vakili²

Received: 17/02/2022

Accepted: 02/12/2022

Abstract

One of the important topics in Islamic jurisprudence is identifying the obligation of Tanjim (belief in the effect of the state of the constellations and the movement of stars in human life and terrestrial events). Most jurists have considered Tanjim as haram, but such a ruling has fundamental problems and it is not the absolute argument for its hurmat (being haram). Not having a correct view of Tanjim leads to the issuance of an incorrect religious ruling. Accordingly, some have considered news of celestial rulings as haram (forbidden) and some as permissible. Those who consider Tanjim as haram, whose main reason is disbelief, have not paid attention to independent and non-independent causes, and this has caused their rulings regarding Tanjim to be insufficiently thorough. This study, with the library method, information analysis and comparison of opinions, looks for the problems in the absolute hurmat of Tanjim and to prove Tanjim as not being haram considering independent and non-

۳۶۶
مجله فقهی حقوق

سال سیام، شماره دوم، پیاپی (۱۱۴)، تابستان ۱۴۰۲

1. Ph.D. in theology–Islamic Seminary student of the third level of Kalam and Hikmat (Corresponding author). M_borosdar@yahoo.com.

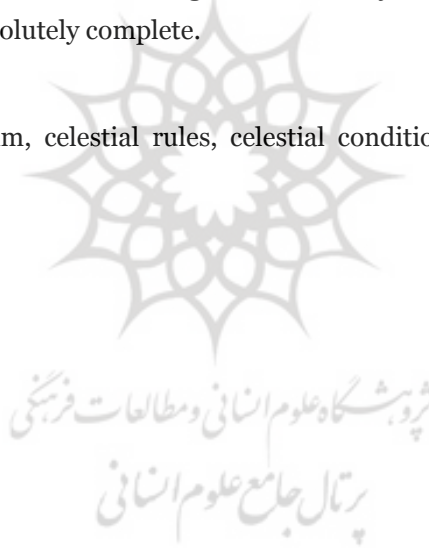
2. Professor of Kharij courses at Islamic Seminary of Mashhad. Mohammadhasan Vakili@gmail.com.

* Danesh Nahad, M., Vakili, M. H. (1401 AP). A Critique and Analysis of the Arguments of Believers in Hurmat and Permissibility of News from the Celestial Rulings. *Biannual Journal of Jurisprudential Principles of Islamic Law*, 15(30), pp. 366-392. Doi: 10.30495/jijl.2022.66132.1523.

independent causes. Because the non-independent reference of events to the heavens does not require any polytheism. the effects of these matters in the ruling of Tanjim has not been considered by researchers. Therefore, first the concept of tanjim is explained and after that, the ruling of news about celestial conditions rulings is examined to finally be able to examine the arguments for its hurmat and permissibility of the news of the celestial rulings in detail, or to reach the correct viewpoint. The findings include these items 1. Definite news of celestial rulings or belief in the influence of the stars is permissible, and this can not lead to disbelief and polytheism. 2. What causes the hurmat of Tanjim is the reference to an independent relation to the heavens, but non-independent reference does not have any corrupt consequences. 3. The arguments of the jurists on the hurmat of Tanjim is not absolutely complete.

Keywords

Hurmat of Tanjim, celestial rules, celestial conditions, divine lordship, Sheikh Ansari.



مقاله پژوهشی

نقد و بررسی ادله قائلان به حرمت و جواز اخبار از احکام فلکی

محمدحسن وکیلی^۱

محمد دانش نهاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

چکیده

یکی از مباحث مهم فقهی شناخت حکم تکلیفی تنجیم است. مشهور فقها تنجیم را حرام دانسته‌اند، اما چنین حکمی اشکالات اساسی دارد و ادله حرمت تام نیست. نبودن نگاه درست به تنجیم، منجر به صدور حکم شرعی نادرست می‌گردد؛ چنان‌که برخی اخبار از احکام فلکی را حرام و برخی جایز دانسته‌اند. قائلان به حرمت تنجیم که دلیل غالبشان کفر بودن است، به علل مستقل و غیرمستقل توجه نموده‌اند و همین امر موجب عدم اتقان کافی حکم آنها در رابطه با تنجیم شده است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای، تحلیل اطلاعات و مقارنه آرا، درصدد اشکال در حرمت مطلق تنجیم اشکال است و با لحاظ علل مستقل و غیرمستقل، عدم حرمت تنجیم را اثبات نماید؛ زیرا استناد غیرمستقل حوادث به افلاک مستلزم هیچ شرکی نیست. توجه به تأثیرات این امور در حکم تنجیم تاکنون مورد توجه محققان قرار نگرفته است؛ لذا ابتدا مفهوم تنجیم تبیین می‌گردد و پس از آن، حکم اخبار از اوضاع فلکی و احکام فلکی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا درنهایت بتوان به تفصیل، ادله حرمت و جواز اخبار از احکام فلکی را مورد مذاقه قرار داد تا به

۱. دکترای رشته الهیات - طلبه سطح سه کلام و حکمت (نویسنده مسئول). M_borosdar@yahoo.com

۲. استاد دروس خارج حوزه علمیه مشهد. Mohammadhasanvakili@gmail.com

* دانش نهاد، محمد و وکیلی، محمدحسن. (۱۴۰۱). نقد و بررسی ادله قائلان به حرمت و جواز اخبار از احکام فلکی.

فصلنامه علمی - تخصصی مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۵(۳۰)، صص ۳۶۶-۳۹۲.

نظر صحیح دست یافت. از جمله نتایج اینکده: ۱. اخبار قطعی از احکام فلکی و یا اعتقاد به تأثیر افلاک جایز است و این امر می‌تواند به کفر و شرک منتهی نشود؛ ۲. آنچه موجبات حرمت تنجیم را فراهم می‌آورد، استناد نسبت استقلالی به افلاک است، اما استناد غیراستقلالی هیچ تالی فاسدی ندارد؛ ۳. ادله فقها بر حرمت تنجیم به طور مطلق تام نیست.

کلیدواژه‌ها

حرمت تنجیم، احکام فلکی، اوضاع فلکی، ربوبیت الهی، شیخ انصاری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

از آنجا که مشهور فقها اخبار از احکام فلکی را حرام دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۸۰؛ عاملی حسینی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ خونی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۸)، پس اجمالاً در اصل حرمت تنجیم بحثی نیست، اما مقصود از تنجیم و حقیقت آن به گونه‌ای است که می‌تواند حکم حرمت در رابطه این موضوع را به حلیت تبدیل نماید.

تنجیم از سویی نیازمند توجه به مباحث تاریخی دارد و باید دانست تنجیم در چه مواردی استعمال می‌شده و در واقع، نیازمند موضوع‌شناسی است؛ زیرا اگرچه در برخی موارد بر چنین عملی نهی می‌شده، اما توجه ننمودن به فضای روایت موجب درک نادرستی از روایت شده و از آن حکم اطلاق‌گیری می‌شود درحالی که ممکن است مقصود ائمه معصومین و به تبع آنها فقها از حکم به حرمت تنجیم در موارد خاصی باشد. از سوی دیگر، این بحث هویتی میان‌رشته‌ای دارد که ضروری است رشته‌های علم کلام و علم فقه در این موضوع به یاری یکدیگر درآیند تا بتوان حکم درستی را در این باب به دست آورد.

مسئله اصلی تحقیق، وارد نمودن اشکالات بر ادله حرمت تنجیم از یک‌سو و برشمرن ادله‌ای در جهت اثبات حکم جواز تنجیم از سوی دیگر است.

تقریر محل نزاع

آنچه بیشتر در تنجیم محل نزاع فقهی قرار گرفته، بحث اخبار از احکام فلکی است، نه اخبار از اوضاع فلکی که برخی قائل به حرمت و برخی دیگر قائل به جواز اخبار گشته‌اند که در ادامه مقصود از این دو اصطلاح توضیح داده می‌شود و بعد نزاع اصلی که حکم اخبار از احکام فلکی است، بر اساس ادله دو طرف مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ زیرا هر یک از موافقان و مخالفان اخبار از احکام فلکی ادله‌ای را مستند خود قرار داده‌اند که نیازمند تحلیل و عیار سنجی است.

پیشینه تحقیق

تاکنون در رابطه با تنجیم کتاب‌ها و مقالات گوناگونی به رشته تحریر در آمده که از میان

کتاب‌ها برخی تنجیم را در بخش خاصی همچون رؤیت هلال مورد بررسی قرار داده‌اند و در ضمن، بررسی مبانی علمی به مبانی فقهی آن به‌طور مختصر اشاره نموده‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹). در میان مقالات نیز برخی به‌حکم فقهی تنجیم از زاویه‌ای خاص پرداخته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، برخی به نقش نجوم جدید در رؤیت هلال پرداخته‌اند (سمیعی، ۱۳۸۳، ص ۳۱-۴۶) و برخی دیگر، نقش تفاوت مبانی اجتهادی در استهلال را مورد بررسی قرار داده‌اند (میرسلیم، ۱۳۸۴، ص ۳۳-۴۴)، اما مهم‌ترین مقاله‌ای که مسئله تنجیم را به‌صورت فقهی مورد بررسی قرار داده، مقاله تنجیم و ستاره‌شناسی آقای خرازی است (خرازی، ۱۳۸۶، ص ۷۲-۱۰۶) که بر اساس کتاب مکاسب شیخ انصاری پیش رفته و گاهی اشکالاتی را بر شیخ انصاری در برخی از فروض وارد می‌نماید.

جنبه نو بودن تحقیق پیش رو از این جهت است که ابتدا اخبار از اوضاع فلکی را جدا از اخبار از احکام فلکی مورد بررسی قرار می‌دهد و پس‌از آن، حکم اخبار از احکام فلکی مبنی بر جواز یا حرمت را همراه با ادله هر یک به‌تفصیل بررسی نماید تا میزان دلالت هر یک از ادله بر مدعا تبیین گردد؛ درحالی‌که در مقاله آقای خرازی این ادله به‌تفصیل مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است و بیشتر به تحلیل روایات مخالف و موافق با تنجیم پرداخته شده و این درحالی است که در این مقاله ادله فقهی فقها مبنی بر جواز و حرمت تنجیم مورد توجه قرار گرفته است.

مفهوم تنجیم

تنجیم در لغت از ریشه نجم است که به معنای ظهور و طلوع چیزی است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۰۳۹؛ واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۶۷۹) و النَّجْم به معنای وقت مشخص است که از آن منجم گرفته شده است که در واقع منجم به تعیین وقتی در آینده می‌پردازد که در چنین زمانی وقایعی رخ می‌دهد. چنان‌که برخی منجم را این‌گونه تعریف نموده‌اند که منجم کسی است که حرکات افلاک را با حوادث زمینی مرتبط می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که طبایع ارضی، تحت تأثیر قوای کواکب قرار می‌گیرند (قمی، ۱۳۰۲ق، ص ۸؛ بیرونی خوارزمی، ۱۳۱۸، ص ۶۴۵).

تنجیم در اصطلاح فقها در معنای خاص به کار می‌رود که شامل بخشی از علم نجوم و یا از عوارض این علم محسوب می‌شود و مقصود از آن، خبر دادن از احکام نجوم به اعتبار حرکات فلکی است که مشهور فقها بر اساس این تعریف قائل به حرمت گردیده‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۶۱ و ۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۱۹؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۴). به‌طورکلی بحث نجوم و تنجیم به دو قسم منقسم می‌گردد:

۱. اخبار از اوضاع فلکی: بدین معنا که منجم تنها حرکات و اوضاع فلکی را توضیح دهد (ر.ک: مامقانی، ۱۳۱۶ق، ج ۱، ص ۷۷).

۲. اخبار از احکام فلکی: مقصود از این اخبار، صرف بیان اوضاع فلکی نیست، بلکه افزون بر آن، حکمی قطعی نیز نسبت به اتفاقات، بعد از چنین شرایطی می‌دهد که چنین حکم قطعی معرکه آرای فقها در دو جبهه به‌ظاهر متقابل گردیده است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۸۶-۱۸۷).

حکم اخبار از اوضاع فلکی

اغلب بلکه تمام فقها معتقدند خبر دادن از اوضاع فلکی که مبتنی بر سیر کواکب است، مانند خسوفی که از قرار گرفتن زمین در میان خورشید و ماه صورت می‌پذیرد حرام نیست، بلکه چنین اخباری جایز است؛ چنان‌که نقش آن در تعیین اول ماه قمری را نیز می‌توان مورد توجه قرار داد (اسلامی، بی‌تا، ص ۳). در رابطه با نحوه اخبار نیز دو صورت قابل طرح است: به‌صورت قطعی از اوضاع فلکی خبر بدهد و این امر در صورتی است که از طریق برهان به چنین اعتقادی رسیده باشد و یا به‌صورت ظنی از اوضاع فلکی اخبار کند؛ در صورتی که از طریق امارات این‌گونه اعتقادات به‌دست آمده باشد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹۸؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۹).

علت نظریه جواز اخبار از اوضاع فلکی

برخی از فقها که تنجیم را به‌صورت مطلق منع نموده‌اند، اما اخبار از اوضاع فلکی را جایز دانسته‌اند. سید مرتضی تنها دلیلی که برای جواز اخبار از اوضاع فلکی بیان می‌کند، وجود

اصول صحیح و قواعد محکم است. وی در این باره می‌گوید: «کواکب در خیر و شر و نفع و ضرر بی‌تأثیرند و میان اخبار از اوضاع فلکی با اخبار از احکام فلکی تفاوت است؛ زیرا اگر این دو امر متفاوت از یکدیگر نبودند و اخبار از احکام فلکی همانند اخبار از اوضاع فلکی صحیح بود، همیشه به احکام صحیحی دست می‌یافت؛ در حالی که خطای دائم تنها در احکام است، نه در اوضاع فلکی». ایشان علت دیدگاه خود را چنین توضیح می‌دهد: «اقتران و انفصال کواکب و کسوف‌ها به جهت حساب و سیر خاص کواکب است که اصول صحیح و قواعدی محکم برای آن وجود دارد؛ در حالی که برای تأثیر کواکب در خیر و شر و یا نفع و ضرر چنین اصولی وجود ندارد» (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۴).

شیخ انصاری در رابطه با نظریه سید مرتضی بدین صورت اشکال می‌نماید که منجم حتی در اخبار از اوضاع فلکی نیز همیشه به اخبار درستی دست پیدا نمی‌کند. وی در این باره می‌گوید: آنچه سید مرتضی از اصابت دائم در اخبار از اوضاع مطرح نموده، محل نظر است؛ زیرا خطای آنها در حساب بسیار زیاد است. به گونه‌ای که به افراد عادل آنها نمی‌توان اعتماد نمود، چه برسد به آن که فاسق باشد؛ زیرا حساب آنها مبتنی بر امور نظری است که این امور نیز خود مبتنی بر نظریات دیگری هستند، مگر آن که حسابشان مبتنی بر امور بدیهی باشد؛ مثل اخبار به اینکه ماه در روز خاصی در برج عقرب قرار می‌گیرد و یا خورشید در آن روز از برجی به برج دیگر منتقل می‌شود. اگرچه اختلاف در مورد اخیر وجود دارد، اما این اختلاف کم است و در این گونه موارد بر شهادت عدلین از آنها می‌توان اعتماد نمود. در صورتی که حاکم شرعی برای تعیین مدت‌زمان دین و مانند آن به عمل مذکور نیازمند باشد. وی اگرچه تنجیم را جزء مکاسب محرمه محسوب نموده و آن را حرام می‌داند، اما در ادامه به این اعتقاد دست می‌یابد که اخبار قطعی یا ظنی از نجوم ریاضی بدون صدور حکم حرام نیست (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۵).

حکم اخبار از احکام فلکی

در رابطه با اخبار از احکام فلکی فقها به‌طور کلی به دودسته تقسیم گردیده‌اند: مشهور و یا غالب فقها حکم به حرمت چنین اخباری داده‌اند؛ در حالی که در مقابل برخی از فقها قائل

به جواز چنین اخباری شده‌اند. هرکدام از این دودسته ادله‌ای را برای دیدگاه خود ذکر نموده‌اند که به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

حرمت اخبار از احکام فلکی

مشهور فقها (گمینی، ۱۳۹۷، ص ۶۵). تنجیم را در ذیل مکاسب محرمه بررسی نموده و قائل به حرمت اخبار از احکام فلکی شده‌اند (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۸۰؛ خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸؛ حسینی روحانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱) در این میان سید مرتضی به شدت بر حرمت چنین عملی تأکید می‌نماید، به گونه‌ای که حمل احکام فلکی بر اوضاع فلکی به جهت جواز چنین اخباری را صحیح ندانسته و چنین امری را ناشی از دروغ و قلت دین تلقی نموده است (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۴).

از جمله قائلان به حرمت اخبار از احکام بعد از سید مرتضی، می‌توان از علامه حلی (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۶۱)، محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۱)، شیخ بهایی (بهایی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۹-۱۴۱)، علامه مجلسی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۴۵۷) و شیخ حر عاملی (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۰۱) نام برد که از جمله فقهای معاصری که قائل به این قول گردیده است می‌توان به امام خمینی اشاره نمود (خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹۸-۴۹۹). این قول در میان علمای اهل سنت نیز وجود دارد (قرضوی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰-۳۳). ادله حرمت بر اخبار از احکام در ادامه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ادله حرمت اخبار از احکام فلکی

به‌طور کلی، هشت دلیل برای حرمت اخبار از احکام فلکی مطرح گردیده که در ادامه هر یک طرح و نقد می‌گردد.

کفر بودن اخبار از احکام فلکی

یکی از علل اصلی قائلان به حرمت کفر بودن چنین اخباری است؛ زیرا به تصور آنها چنین اخباری ملازم با قرار دادن امر مستقلی در مقابل خداوند متعال است (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵،

ص ۳۹۰؛ چنان که شیخ انصاری معتقد است اگر منجم به حدوث احکام خبر بدهد، ولی به ربطشان اعتقاد نداشته باشد حرام نیست، اما اگر منجم از حوادث خبر دهد و این حوادث ارضی را مستند به تغییرات فلکی نماید و تغییرات فلکی را مؤثر بدانند؛ به گونه‌ای که مثلاً موجب باران می‌شود نه اینکه میان حوادث فلکی و حوادث ارضی مقارنت باشد. چنین حالتی همان تنجیم اصطلاحی است که محاسبه نمودن و اعتقاد یافتن به تأثیرات حوادث فلکی اجزای اصلی چنین اصطلاحی را تشکیل می‌دهند. تأثیرات فلک بر زمین نیز به دو نوع استقلالی و غیراستقلالی تقسیم می‌گردد که به نظر می‌رسد شیخ انصاری هر دو آنها را تنجیم و حرام می‌داند؛ زیرا به اعتقاد ایشان سر از کفر درمی‌آورد (انصاری، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۵).

در بررسی این دلیل بایستی به این مطلب توجه نمود که بسیاری از مباحث فقهی ریشه در موضوع‌شناسی دارد؛ چنانکه در مسئله تنجیم نیز پیش از حکم تنجیم بایستی موضوع تنجیم را تبیین نمود که اعتقاد به تأثیر در ضمیر موضوع شناسی مطرح می‌گردد که چنین اعتقادی برای درک درست از آن بایستی به علم فلسفه و کلام رجوع نمود و فقیه بماهو فقیه نمی‌تواند بدون توجه به مطالب اعتقادی حکم این مسئله را بیان نماید. بر این اساس، اگر انواع تأثیرگذاری به درستی تصویر نشده باشد، در ادراک معنای تنجیم نیز اشتباه می‌شود.

شیخ انصاری از تأثیرگذاری، معنای مستقلی را متوجه می‌گردد؛ به این معنا که تأثیرگذاری افلاک را در مقابل خداوند متعال قرار می‌دهد، بدون آن که در این زمینه به تأثیرگذاری طولی و غیراستقلالی توجه بنماید؛ لذا قائل به تأثیر افلاک را کافر دانسته است. او علت حرمت تنجیم در روایات را این گونه استنباط نموده که یا منجم مخبر قائل به تأثیر افلاک در حوادث زمینی گردد و یا اینکه در اخبار خود ادعای قطع بنماید و در غیر این دو صورت هرگونه اخباری را بی‌اشکال محسوب می‌نماید. اگرچه قضاوت قطعی ننمودن یکی از نشانه‌های انسان متوکل است، اما به نظر می‌رسد صرف قضاوت قطعی در رابطه با تأثیر افلاک در حوادث زمینی موجب شرک و کفر نمی‌گردد؛ چنانکه برخی از شارحان مکاسب بر این باورند که برخی روایت ظهور در جواز تنجیم دارد تا زمانی که با امر توحید

منافاتی نداشته باشد (شیرازی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۰؛ خویی، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۶) و اگر شیخ انصاری در این زمینه میان علل مستقل و علل غیرمستقل تفکیک می نمود، نظریه ایشان از اتقان بیشتری برخوردار می گشت؛ بدین صورت که اگر منجم یا شخص دیگری به این اعتقاد دست یابد که ستاره ها علت مستقل یا شریک العله در تأثیرات زمینی هستند، بی تردید قائل به چنین اعتقادی کافر است؛ چراکه با ربوبیت خداوند متعال منافات دارد و در روایاتی که در رد نجوم بیان گردیده، این مسئله مشهود است که امام علی علیه السلام نسبت به افراد منجمی که برای افلاک تأثیر استقلاللی قائل می گشتند، موضع می گرفتند (شهیدی تبریزی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۱۹) و تصدیق قول چنین منجمی را تکذیب قرآن کریم می دانستند (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۵-۳۶)^۱ اما اگر ستاره ها معلول خداوند باشند و حوادث زمینی معلول ستاره ها باشند و کسی به این مطلب اعتقاد پیدا نماید. اگرچه چنین اعتقادی نادرست و باطل است و دلیلی بر آن نیست، اما این اعتقاد سر از کفر در نمی آورد؛ چنانکه امام خمینی اخبار از احکام فلکی را در صورت وجود دو شرط حرام می داند: اول اینکه اخبار جزمی است و دوم اینکه تأثیر استقلاللی یا شراکتی برای افلاک در مقایسه با تأثیر خداوند در نظام طبیعت قائل شوند، اما اگر تأثیری فی الجمله برای آن ها قائل باشد، هرچند به اینکه خدای متعال آن اثر را به آنها اعطا کرده باشد، هنگامی که از روی دلیل قطعی باشد، اشکال ندارد (خمینی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۹۸).

۱. «لَمَّا أَرَادَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الْمَسِيرَ إِلَى الثَّهْرَوَانِ أَتَاهُ مِنْجَمٌ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَمِزْ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ سِزْ فِي ثَلَاثِ سَاعَاتٍ بِمَعْنَى مَنْ رَهَارَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ لَمْ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ إِنْ سِزْتَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَصَابَكَ وَ أَصَابَ أَصْحَابَكَ أَدَى وَ طُرٌّ شَدِيدٌ وَ إِنْ سِزْتَ فِي السَّاعَةِ الَّتِي أَمَرْتُكَ ظَفَرْتُ وَ ظَهَرْتُ وَ أَصَبْتُ كُلَّ مَا طَلَبْتَ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ تَدْرِي مَا فِي بَطْنِ هَذِهِ الدَّابَّةِ أَذْكَرٌ أَمْ أُنْثَى قَالَ إِنْ حَسِبْتُ عَلِمْتُ قَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَنْ صَدَّقَكَ عَلَى هَذَا الْقَوْلِ كَذَّبَ بِالْقُرْآنِ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يَنْزِلُ الْعَيْثُ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَى أَرْضٍ تُمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَيْرٌ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله يَدْعَى مَا ادَّعَيْتَ أُتْرَعُمُ أَنْتَ تَهْدِي إِلَى السَّاعَةِ الَّتِي مَنْ سَازَ فِيهَا صَرْفَ عَنْهُ السُّوءُ وَ السَّاعَةِ الَّتِي مَنْ سَازَ فِيهَا حَقَاقَ بِهِ الصَّرُّ مَنْ صَدَّقَكَ بِهَذَا اسْتَعْنَى بِقَوْلِكَ عَنِ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ الْوَجْهِ وَ أَحْوَجَ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ فِي دَفْعِ الْمَكْرُوهِ عَنْهُ وَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يُولِيَكَ الْحَمْدَ دُونَ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ آمَنَ لَكَ بِهَذَا فَقَدْ اتَّخَذَكَ مِنْ دُونِ اللَّهِ بَدَأً وَ صِدْأً ثُمَّ قَالَ يَا اللَّهُ لَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ وَ لَا صَبْرَ إِلَّا صَبْرُكَ وَ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى الْمَنْجَمِ فَقَالَ بَلْ تُكْذِبُكَ وَ تُخَالِفُكَ وَ نَسِيتُ فِي السَّاعَةِ الَّتِي نَهَيْتَ عَنْهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۰۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۳۴۶؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۲۶۵).

در رابطه با شروط مذکور باید به این نکته توجه کرد که اگرچه شایسته است منجم هرگز از احکام فلکی اخبار جزمی ندهد؛ زیرا به همه علل و عوامل دسترسی ندارد، اما اگر مقصود از اخبار جزمی منجم نسبت به تأثیر افلاک، فقط بیان جایگاه تأثیر افلاک باشد و در واقع منجم تنها در مقام بیان تأثیر افلاک است، بدون آن که به تأثیر علل و عوامل دیگر توجه نماید، چنین اخباری حرام نخواهد بود؛ زیرا منجم درصدد بیان تنها یکی از عوامل مؤثر است و این امر منافاتی ندارد که تأثیر افلاک به عنوان یکی از عوامل مؤثر از جانب خداوند در نظر گرفته شود.

سلب اختیار از انسان‌ها

یکی از لوازم فاسدی که اخبار از احکام فلکی بنا به قائلان حرمت اخبار پدید می‌آورد، این است که چنین اخباری اختیار را از انسان‌ها سلب می‌نماید. سید مرتضی یکی از ادله ابطال قائلان به تأثیر کواکب را این گونه بیان می‌فرماید: از جمله اموری که فاعل بودن کواکب را رد می‌نماید، این است که چنین قولی مقتضی سقوط امر ونهی و ذم است؛ در حالی که انسان‌ها خود را مختار می‌یابند؛ همچنین اعمالی که انجام می‌دهند، بی‌ارزش می‌گردد و هر امری که قائلان به جبر را ابطال کند، قائلان به تأثیر کواکب را نیز رد می‌کند (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۴).

اگرچه دلیلی بر تأثیر کواکب در امور زمینی وجود ندارد، اما دلیلی بر رد آن نیز یافت نمی‌شود و تالی فاسدی همچون سلب اختیار نیز نمی‌تواند دلیلی بر ابطال نظریه تأثیر کواکب باشد؛ زیرا اختیار کامل هرگز در عالم دنیا وجود نداشته و اختیار افراد نسبی بوده است و به همان میزانی که افراد اختیار داشته‌اند، در قبال افعالشان مسئول خواهند بود. تأثیر کواکب نیز بر فرض وجود می‌تواند تا حدودی بر امور زمینی تأثیر بگذارد و دایره اختیار انسان‌ها را محدود کند و آنچه خلاف ضروریات است، این است که تأثیر کواکب به کلی اختیار را از انسان‌ها سلب نماید و آنها را به عنوان آلت دست خود قرار دهند که وجدان انسانی آن را نفی می‌کند؛ لذا چنین لازمه‌ای نمی‌تواند دلیلی بر رد قائلان به تأثیر کواکب قرار گیرد.

عدم دلیل و خیر معتبر بر اخبار از احکام

سید مرتضی یکی از ادله حرمت را نبود دلیل معتبر بر چنین اخباری می‌داند و در این رابطه می‌فرماید: از کجا دانسته شود که خداوند متعال عادت را بر این قرار داده است که زحل یا مریخ هنگامی که در درجه طالع باشد، نحس است و مشتری هنگامی که این چنین باشد، مایه سعادت است؟! کدام دلیل سمعی قطعی به چنین امری اخبار نموده است؟! کدام پیامبر به این امر خیر داده تا از آن خبر چنین استفاده‌ای شود؟! (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۴)

سید مرتضی از آنجا که جواز اخبار از احکام فلکی را نیازمند دلیل می‌داند، در واقع به مبنای اصالة الحظر اشاره می‌نماید؛ درحالی که اولین اشکالی که بر این دلیل وارد می‌گردد، آن است که به چه علت مبنای در این موضوع اصالة الحظر باید قرار داد؛ درحالی که مشهور فقها در غالب مسائل قائل به اصالة الاباحه گردیده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۷۲؛ ر.ک: صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۴؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴۳؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۴). بر این مبنا حرمت اخبار نیازمند دلیل است، نه جواز اخبار. اشکال دوم این دلیل آن است که اخبار منجم از احکام فلکی را به‌عنوان یک احتمال در نظر گرفتن چه محذوری را در پی دارد؟ اگرچه نتوان دلیل محکمی بر صحت چنین اخباری ارائه نمود، اما از باب احتیاط توجه نمودن به چنین حکمی به‌عنوان یکی از احتمالات ظاهراً بی‌اشکال به نظر می‌رسد و هیچ‌گونه دلیل عقلی و نقلی بر رد آن وجود ندارد، بلکه ادله عقلی همچون وجوب دفع ضرر محتمل (مازندرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۵)^۱ و ادله نقلی (حلی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۰۱؛ راوندی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۳۳۵)^۲ همچون احتیاط را می‌توان مؤیدی برای توجه به چنین اخباری قرار داد.

۱. مبنای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل را می‌توان در دلیل عقل و سیره عقلا جستجو نمود که بر این اساس هرگاه ضرری که وقوع آن قطعی است، شخصی را تهدید کند و وی امکان دفع و پیشگیری از آن را داشته باشد، ملزم به دفع آن خواهد گردید (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۹).

۲. از جمله ادله نقلی می‌توان به آیه «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره، ۱۹۵) و روایت «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ فِيمَا قَالَ: يَا كَمِيلُ، أَخْوَكُ دَيْشَكَ، فَاحْتِطْ لِدِينِكَ بِمَا شِئْتَ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۰) توجه نمود.

بی‌اعتباری دلیل تجربه

دومین دلیلی که سید مرتضی برای حرمت اخبار ارائه می‌کند، تزلزل پایه تجربی چنین اخباری است. سید مرتضی در این باره می‌گوید: اگر دلیل اخبار از احکام نجوم تجربه باشد، به این صورت که بگویند این امر را از تجربه خودمان و پیشینیان خود به دست آورده‌ایم و لذا به احکام خاص نجوم دست یافته‌ایم و اگر این احکام سعادت یا نحوست را ایجاب ننماید لاقلاً واجب است که عادت افلاک بر این احکام قرار گیرد. در مقابل گفته می‌شود چه کسی صحت این تجربه، انتظام و جامعیت آن را تأیید می‌کند؛ درحالی‌که خطای منجمان بیش از نظرات درستشان است پس نسبت صحت به چنین اخباری داده نمی‌شود، زمانی که اخبار درست منجم همانند اخبار درست تخمین‌زننده و غیب‌گو است، بلکه اخبار درست در دو مورد اخیر از اخبار اشتباه خود بیشتر است؛ درحالی‌که این اخبارشان مبتنی بر اصل مور اعتماد و یا قاعده صحیحی نیست (سیدمرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۰۴).

اگرچه دلایل تجربی در این باره نمی‌تواند واقع را به صورت کامل نمایان کنند، اما کاشفیت احتمالی آنها قابل مناقشه نیست و به عنوان یکی از احتمالات می‌توان به چنین اخباری توجه نمود. در صورتی که موجب کفر و یا شرک به خداوند متعال نگردد (ر.ک: وکیلی، ۱۳۹۷، ص ۴۰) لذا این دلیل نیز نمی‌تواند حرمت اخبار از احکام فلکی را اثبات نماید.

تخمینی بودن اخبار از احکام فلکی

سید مرتضی دلیل سومی نیز با توجه به مقایسه احکام فلکی با عالم واقع بیان می‌کند، بدین صورت که اگر گفته شود که سبب خطای منجم خطایی است که در اخذ طالع و یا سیر کواکب پدید می‌آید، در مقابل گفته می‌شود چرا اصابت منجم در رسیدن به سبب تخمین نباشد و تنها در صورتی می‌توان تأویل و تخریح برای عدم اصابت منجم مطرح نمود که بر صحت احکام نجوم دلیل قاطعی غیر از اصابت منجم در بیان احکام باشد، اما اگر دلیل صحت احکام اصابت با واقع باشد، پس چرا دلیل فساد آن خطا نباشد (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۰۵). برخی از شارحین مکاسب نیز با سید مرتضی همراهی نموده‌اند و اخبار

احکام فلکی منجمین را کثر الخطا دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که چه‌بسا مواردی که به‌عنوان صحت، اقبال و غلبه توسط منجمین معرفی می‌گردد، اما در عالم واقع عکس آن رخ می‌داد (لاری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۴۲).

اگرچه دلایل تجربی و سایر ادله موجب نمی‌گردد که منجم همیشه به احکام واقعی برسد، اما فارغ از اینکه علت خطای منجم چیست، این امر خدشه‌ای در لزوم توجه به اخبار او نمی‌کند و حتی اگر منجم دارای عقاید کفرآمیز و شرک‌آور در این رابطه باشد، لزومی ندارد توجه به اخبار او ملازمه با کفر و شرک مخاطبان منجم گردد یا تالی فاسدی دیگری را در پی داشته باشد تا به‌تبع آن حکم حرمت برای اخبار از احکام فلکی رقم بخورد.

دلیل تجربی بر فساد قول به صحت احکام

سید مرتضی در گام بعدی برای فساد قول به صحت اخبار از احکام دلیل تجربی و عینی ارائه می‌نماید. وی در این باره می‌گوید: از جمله دلایلی که نشان می‌دهد احکام نجوم منجم صحیح نیست، آن است که اگر به آنها در مورد شیء معینی گفته شود طالع را بگیر و حکم کن که آیا اخذ یا ترک می‌شود. در مقابل اگر حکم به اخذ یا ترک نمودند، با آن حکم مخالفت کنید و خلاف حکم او را انجام دهید که در این صورت منجم عذرهای گوناگونی می‌آورد که عقلاً مورد قبول نیست. در این مسئله می‌گویند لازم است امر مبتلا نوشته شود که اراده انجام آن را ندارد یا اخبار به غیر مورد اراده‌اش دهد که در این صورت ما تصمیم او را بر انجام یا عدم آن را به دست می‌آوریم. این تعلیل منجمان باطل است؛ زیرا زمانی که نگاه در نجوم بر جمیع کائناتی دلالت می‌کند که از جمله آنها موردی است که ما یا اخذ به آن شیء می‌کنیم یا نمی‌کنیم؛ بنابراین چه تفاوتی می‌کند که قبل از خبر دادن منجم طرف مقابل آنچه را اراده نموده خبر بدهد و مکتوب کند یا خبر ندهد و مکتوب ننماید (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۰۵-۳۰۶).

اگرچه اخبار قطعی منجمان از احکام فلکی ممکن است اشتباه باشد، اما این امر دلیل بر حرمت اخبار از احکام فلکی نمی‌گردد و چنین دلیلی نیز نمی‌تواند حرمت چنین اخباری را اثبات نماید و تنها بطلان اخبار قطعی از احکام فلکی را می‌توان به دست آورد.

دلیل خاص بر عدم حجیت احکام فلکی

شیخ بهایی همانند سید مرتضی قائل به حرمت اخبار از احکام فلکی می‌گردد، اما در رابطه با علت چنین حرمتی، استناد به برخی از روایات می‌کند. او در این باره می‌گوید اموری را که منجمان نسبت به حوادث آینده حکم می‌کنند، مبتنی بر اصولی‌اند که در برخی از اصحاب وحی گرفته شده است و در برخی ادعای تجربه می‌کنند و برخی مبتنی بر امور گوناگونی است که انسان قادر به ضبط آنها نیست و نمی‌تواند بر آنها احاطه پیدا کند. همان‌طور که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کثیره لا یدرک و قلیله لا ینتفع^۱» بسیار آن قابل درک و قلیل آن مفید نیست. به همین علت است که در کلام منجمان اختلاف وجود دارد و در بعضی از احکامشان خطا می‌کنند و کسی که بر طبق اصول صحیح حرکت کند، کلام و احکامش صحیح خواهد بود. همان‌طور که امام صادق علیه السلام این امر را مطرح نموده بودند و روایت عبدالرحمن بن سیاه نیز بر این امر دلالت دارد ولی این امری است که به‌سختی به دست می‌آید و به مقدار کمی از آن دست پیدا خواهد نمود. (بهایی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۹-۱۴۱).

این دلیل نیز قابلیت اثبات حرمت برای اخبار از احکام فلکی را ندارد چراکه بر اساس روایت مذکور آنچه به دست می‌آید آن است که کثیری از احکام نجومی دست‌نیافتنی و قلیل آن غیرنافع است. غیرنافع بودن دلالت بر حرمت تنجیم ندارد؛ چراکه آنچه حرمت دارد امور مضر است و این درحالی است که امور غیرنافع اعم از امور مضر و غیرمضر

۱. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَعَلْتَ لَكَ الْفِدَاءَ إِنْ النَّاسُ يَقُولُونَ إِنَّ النَّجُومَ لَا يَجُلُ النَّظَرُ فِيهَا وَ هِيَ تُعْجِنِي فَإِنْ كَانَتْ تُضَرُّ بِدِينِي فَلَا حَاجَةَ لِي فِي شَيْءٍ يَضُرُّ بِدِينِي وَإِنْ كَانَتْ لَا تُضَرُّ بِدِينِي فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَهِيهَا وَأَسْتَهِي النَّظَرَ فِيهَا فَقَالَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ لَا تُضَرُّ بِدِينِكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّكُمْ تَنْظُرُونَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا كَثِيرُهُ لَا يَدْرِكُ وَ قَلِيلُهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ تَحْسِبُونَ عَلَى طَالِعِ الْقَمَرِ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ الْمَشْتَرَى وَ الرَّهْرَةَ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ الرَّهْرَةَ وَ بَيْنَ الْقَمَرِ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ السُّمْسِ وَ بَيْنَ السُّبُلَةِ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ مَا سَمِعْتُ مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْمُتَنَجِّمِينَ قَطُّ قَالَ أَ تَدْرِي كَمْ بَيْنَ السُّبُلَةِ وَ بَيْنَ اللَّوْحِ الْمُحْفَوظِ مِنْ دَقِيقَةٍ قُلْتُ لَا وَ اللَّهُ مَا سَمِعْتُهُ مِنْ مُنَجِّمٍ قَطُّ قَالَ مَا بَيْنَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى صَاحِبِهِ سِتُّونَ أَوْ سَبْعُونَ دَقِيقَةً [شك عبد الرحمن] ثُمَّ قَالَ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ هَذَا جَسَابٌ إِذَا حَسَبَهُ الرَّجُلُ وَ وَقَفَ عَلَيْهِ عَرَفَ الْقَصْبَةَ الَّتِي فِي وَسْطِ الْأَجْمَةِ وَ عَدَدَ مَا عَنِ يَمِينِهَا وَ عَدَدَ مَا عَنِ يَسَارِهَا وَ عَدَدَ مَا خَلْفَهَا وَ عَدَدَ مَا أَمَامَهَا حَتَّى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ قَصَبِ الْأَجْمَةِ وَاحِدَةً» (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۹۶-۱۹۷).

است؛ چنانکه در ابتدای روایت آمده است که امور نجومی به دین سؤال کننده ضرری نمی‌زند؛ لذا این روایت بر حرمت دلالت ندارد، بلکه تنها بر لغو و بیهوده بودن چنین عملی دلالت دارد.

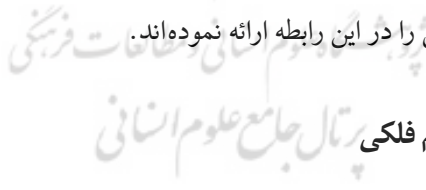
عدم دلالت روایت بر جواز

علامه مجلسی علت حرمت اخبار از احکام فلکی را عدم دلالت روایات جواز اخبار بر مدعا می‌داند و در این باره می‌فرماید: اینکه در روایتی به حق بودن علم نجوم تصریح شده است، تنها بر این امر دلالت دارد که ستارگان علامت‌هایی برای کائنات می‌باشند که تنها اهل آن می‌توانند به آن علامات دست پیدا کنند و بر جواز تعلیم و تعلم علم نجوم و استخراج احکام از آن برای سایرین دلالت ندارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۴۵۷).

اگرچه روایتی که در این رابطه مدنظر قرار گرفته بر جواز تعلیم و تعلم نجوم دلالت ندارد، اما بر حرمت آن نیز دلالت ندارد و از آنجا که مشهور فقها قائل به اصالة الاباحه‌اند عدم دلیل دلالت بر حرمت اخبار از احکام فلکی ندارد.

جواز اخبار از احکام فلکی

برخی از فقها در مقابل مشهور فقها اخبار از احکام فلکی را تحت شرایطی بی‌اشکال دانسته‌اند و ادله گوناگونی را در این رابطه ارائه نموده‌اند.



ادله جواز اخبار از احکام فلکی

عدم دلیل بر حرمت اخبار از احکام فلکی

بر مبنای اصالة الاباحه عدم وجود دلیل بر حرمت و توجیه ادله روایی که بر حرمت دلالت دارند، می‌توان جواز اخبار از احکام فلکی را به دست آورد؛ چنانکه شهید اول در این باره می‌گوید: اگر منجم از احکام فلکی بدین صورت خبر دهد که عادتاً این گونه است که خداوند متعال در شرایطی خاص، افعال خاصی را انجام می‌دهد، چنین اخباری حرام

نیست، اگرچه مکروه است. افزون این که عادت در کائنات تنها شامل امور اقلی می‌گردد و علت حرمت نجوم ترد اصحاب شاید به جهت محذور اعتقاد تأثیر است و یا اینکه احکامشان تخمینی است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۵).

اگرچه اصل اباحه غیرقابل اشکال است، اما قول به کراهت در مقابل قول به حرمت و جواز، قول سومی محسوب می‌گردد و به ظاهر نمی‌توان هیچ گونه وجهی برای آن در نظر گرفت؛ چراکه چنین اخباری یا حرام است که قول به کراهت در این باره بی‌معناست و شهید اول نیز با چنین قولی، قطعاً مخالف است و یا جایز است که اگرچه شهید اول با چنین قولی فی‌الجمله موافق است، اما اطلاق این قول را مقید نموده، بدون آن که علتی در این باره ذکر نماید و نمی‌توان از ادله جواز و یا حرمت در دفاع از چنین قولی بهره جست. در هر صورت، قول شهید اول با حدودی مؤید قول به جواز است، اگرچه در حکم به کراهت آن اشکال لاینحلی باقی می‌ماند و ممکن است از این باب باشد که چنین اخباری موجب عجب و کبر منجم گردد به گونه‌ای که برای خود در عرض خداوند متعال شأنی قائل گردد؛ لذا به جهت اجتناب از چنین فضایی حکم به کراهت شده است.

جواز اخبار از احکام به نحو عادت

شهید اول در کتاب دیگر خود در صدد توجیهی برای صحت اخبار از احکام برمی‌آید. ایشان در رابطه با جواز اخبار از احکام به نحو عادت می‌گوید: استناد افعال به کواکب مانند سوزاندن به آتش و دیگر امور عادی اشکال ندارد؛ بدین معنا که خداوند عادتش را بر این قرار داده است که هنگامی که شکل یا وضعیت خاصی پدید آید، مناسب آن شکل فعل خاصی را انجام می‌دهد و ربط مسببات به عادت مانند ربط مسببات ادویه و اغذیه به عادت به صورت مجازی است، نه اینکه حقیقتاً عادت چنین فعلی را انجام دهد؛ بنابراین چنین اعتقادی کفر نیست، اما معتقد به چنین اعتقادی، مخطیء است اگرچه خطای اعتقاد به ربط مسببات با عادت از اعتقاد به اینکه کواکب، مدبر عالم‌اند کم‌تر است، اما وقوع احکام مذکور، نه لازم و نه اکثری است (شهید اول، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۳۵-۳۶).

تلقى مجازی از رابطه میان افلاک و نظام طبیعت و ربط مسببات به عادت به نحو

مجازی لزومی ندارد؛ درحالی که شهید اول به جهت مطرح نشدن مباحث کفر و شرک، قائل به مجازی بودن چنین رابطه‌ای شده‌اند و برای این امر حد وسطی به‌عنوان عادت را ذکر نموده‌اند، اما می‌توان استناد رابطه میان افعال فلکی و نظام طبیعی، رابطه‌ای حقیقی و علی و معلولی قائل گشت، بدون آن که کفر یا شرکی پدید آید، زیرا تأثیر حقیقی افلاک بر نظام طبیعت، تأثیر مستقلی نیست، بلکه چنین تأثیری برگرفته از اراده لایزال الهی است و این امر نه تنها موجب کفر و یا شرک نمی‌شود که می‌توان آن را گامی در جهت توحید خداوند تلقی نمود؛ لذا معتقد به چنین اعتقادی نیز مخطیء نیست و در عین طریق صواب قرار می‌گیرد.

درواقع، آن چیزی که موجب شده است حکم به تحریم اخبار داده شود، عدم تفکیک میان اراده طولی با عرضی است. اگر اراده منجم در عرض اراده خداوند قرار گیرد، اخبار او نیز سر از کفر درمی‌آورد و حکم تنجیم نیز بی‌تردید حرمت می‌شود، اما زمانی که اراده منجم را در طول اراده الهی دانست، نه در عرض آن، هیچ‌گاه تصور نمی‌شود در مقابل اراده تام الهی اراده‌ای قرار بگیرد؛ لذا اخبار منجم نیز سر از کفر و شرک درنخواهد آورد.

حجیت حکم قطعی

اگرچه اخبار از احکام فلکی همیشه منطبق بر واقع صورت نمی‌پذیرد و شاید نتوان در غالب موارد اصول صحیحی برای آن قرار داد، اما چه مانعی دارد که منجم نسبت به این احکام فلکی خبر بدهد که اگر خبر منجم به‌صورت قطعی باشد و درواقع برای منجم چنین قطعی ولو از راه‌های نامعتبر به‌دست آمده باشد، چنین قطعی برای خود منجم حجت باشد؛ زیرا چنین قطعی، قطع طریقی است و شارع نمی‌تواند بدان حجیت بخشد یا حجیت را از آن سلب کند (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۹) و تنها بایستی به مقدمات قطع آور منجم آگاهی داد تا متوجه خطای خود شود. اگرچه وجود چنین قطعی برای منجم ملازمه با اعلام آن به دیگران برای توجه به آن ندارد و سایر افراد می‌توانند به چنین نظری توجه نکنند؛ زیرا قطع منجم به وجود چنین احکامی برای سایرین قطع موضوعی محسوب می‌گردد که در

چنین قطعی می‌توان حجیت را بدان اضافه نمود و یا از آن سلب نمود لذا در هر صورت چنین اخباری برای سایرین حجت نیست، اما چه اشکالی دارد که نظریه منجم به‌عنوان یک احتمال در نظر گرفته شود و احتیاط‌های لازم صورت پذیرد تا مبدا از طریق بی‌توجهی به چنین اخباری خسارتی بر افراد وارد نگردد.

منجم نباید به‌صورت قطعی اخبار از احکام فلکی دهد؛ زیرا ممکن است به‌حکم درستی دست نیافته باشد و با فرض دستیابی به حکم واقعی، بدا رخ دهد و به خاطر علل و عوامل دیگری که علم آن در نزد خداوند است و منجم بدان‌ها راه ندارد، احکام مذکور در عالم واقع محقق نگردد؛ لذا اخبار از احکام فلکی حتی به‌صورت قطعی تا زمانی که موجب کفر و شرک منجم و سایر افراد و استناد علل و اسباب به امور طبیعی در مقابل خداوند متعال نگردد بی‌اشکال است؛ هرچند ادب بنده در مقابل خداوند متعال اقتضای آن را دارد که هیچ‌گاه اخبار از وقایع آینده را به‌صورت قطعی بیان ننماید و خود را عالم به همه امور محسوب نکند.

وجود منجمان شیعه به همراه عدم انکار امام معصوم

برخی از فقها همچون سید بن طاووس اخبار از احکام فلکی را در صورتی که موجب کفر و یا شرک نشود جایز دانسته‌اند و در این رابطه فرموده‌اند: نجوم علامت‌هایی بر حوادث دارد، ولی برای خداوند قادر حکیم جایز است که آن را با آسیابی همچون نیکی، صدقه و دعا تغییر دهد و در این راستا تعلیم و تعلم علم نجوم نیز جایز است که وجود اسامی جماعتی از علمای شیعه به‌عنوان منجم نیز مؤید این نظریه است^۱ (حلی، ۱۳۶۸، ص ۱۱-۴۱)

۱. افرادی همچون حسن بن موسی نوبختی، موسی بن حسن نوبختی و دیگر نوبختیان و احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن طلحه، جلودی بصری، محمد بن ابی عمیر، محمد بن مسعود عیاشی، فضل بن ابی سهل - که مأمون را از خطای منجمین در ساعتی که برای ولایت امام رضا علیه السلام انتخاب کرده بودند آگاه کرد ولی مأمون او را منع کرده و از گفتن به دیگران بازداشت. فضل فهمید که این کار مأمون از روی عمد است - از نجوم آگاه بودند و چیزهایی از آنان می‌دانیم که یقیناً نمی‌توان گفت - چنان‌که سید مرتضی پنداشته، اتفاقی بوده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ خرازی، ۱۴۰۰، ج ۴۹، ص ۱۰۵).

از جمله علمای منجم عبدالرحمن بن سیاه است که از امام صادق علیه السلام در رابطه با جواز نظریه علم نجوم سؤال نمود و امام صادق علیه السلام به او اجازه نگاه کردن در علم نجوم را دادند و فرمودند به دین تو ضرر نمی‌زند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۰۱).

بر این اساس زمانی که برخی از منجمان شیعی بودند و در محضر امام معصوم طبق روایات حضور پیدا می‌کردند و امام علیه السلام نیز ایشان را منع نمی‌نمودند می‌توان جواز اخبار از احکام فلکی را به دست آورد؛ در حالی که اگر تنها منجمانی خود را شیعی می‌دانستند، بدون آن که تأییدی از ائمه معصومین نسبت به آنها وجود داشته باشد، دو احتمال قابل توجه پدید می‌آید:

۱. اینکه این افراد تنها ادعای شیعه بودن کرده‌اند، بدون آن که اعتقادی به آن داشته باشند.

۲. اینکه ممکن است منجمان مذکور حقیقتاً شیعی بودند، اما به جهت قلت مبالات به دین و مکتب شیعه روی به اخبار از احکام فلکی آورده باشند که به دنبال آن نمی‌توان جواز اخبار از احکام فلکی را به دست آورد.

تعبیر به لازمه بودن به جای علت معلول

فیض کاشانی اخبار از احکام فلکی را تلویحاً جایز می‌داند و در رابطه با علت آن در مبحث بدا در رابطه با نقش افلاک می‌گوید: «به قوای فلکی به تفصیل امور آن در یک مرتبه دست پیدا نمی‌شود، به خاطر اینکه این امور نامتناهی‌اند؛ لذا تنها حوادث به تدریج در قوای فلکی شکل می‌گیرند و آنچه در عالم کون و فساد واقع می‌شود، تنها از لوازم حرکات افلاک و نتایج آن است (کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۰۷-۵۰۸)؛ لذا به جای تعبیر به علت بودن امور فلکی، تعبیر به لازمه بودن این امور فلکی در حوادث بر روی زمین می‌شود و اخبار منجم نیز از احکام فلکی با این تعبیر خالی از اشکال می‌شود. از آنجاکه تفاوت تعبیر حقیقتی را عوض نمی‌کند، هر حکمی که برای اخبار از احکام فلکی به عنوان علت تأثیرگذار بر امور زمین، لحاظ شود برای اخباری که به نحو لازمه بودن بیان شود نیز جاری است.

نتیجه گیری

بر اساس ادله‌ای که در رابطه با حرمت اخبار از احکام فلکی ذکر گردید و با توجه به اشکالاتی که این ادله به آن دچار است، نه تنها جواز اخبار از احکام فلکی به صورت ظنی، بلکه به صورت قطعی اثبات می‌گردد، بلکه بنا بر نظر برخی از فقها اگر منجم اخبار قطعی بدهد و اظهار کند که خداوند هرچه را بخواهد از بین می‌برد و یا نگه می‌دارد، اشکالی ندارد. سر اصلی نزاع بین فقها شاید به عدم تفکیک میان اراده طولی و عرضی برمی‌گردد؛ چنانکه کسانی که قائل به حرمت اخبار قطعی گردیده‌اند، متوجه چنین تفکیکی نبوده‌اند؛ زیرا با توجه به این مسئله سه حالت در رابطه با اعتقاد به تأثیر ستارگان پدید می‌آید:

۱. ستاره‌ها علت مستقل در تأثیر باشند.

۲. ستاره‌ها شریک العله با خداوند در تأثیر باشند.

۳. ستاره‌ها علت مادون خود باشند و خود معلول خداوند باشند.

حالت اول و دوم قطعاً منافات با ربوبیت خداوند متعال دارد و چنانکه فقها گفته‌اند سر از کفر و شرک در می‌آورد، ولی در حالت سوم کفر نیست، اگرچه امر باطلی است و دلیلی ندارد، اما اعتقاد به آن موجب کفر نیست. اگر کسی معتقد باشد خداوند عالم را از طریق ستارگان تدبیر می‌نماید.

اگرچه در مرحله عمل اختلاف قابل توجهی میان فقهای قائل به حرمت و جواز اخبار از احکام فلکی دیده نمی‌شود؛ لذا ممکن است اختلاف مذکور در این مبحث نیز اختلاف لفظی باشد، ولی در هر صورت تا زمانی که اخبار از احکام فلکی منجر به کفر یا شرک منجم نگردد جایز است، ولو آن که چنین اخباری به صورت قطعی باشد. اگرچه اخبار آن به صورت ظنی بسیار مناسب‌تر به نظر می‌رسد تا ادب در حضور پروردگار نیز رعایت شده باشد و روحیه توکل انسان از دست نرود. در واقع، جمع بین دو نظریه حرمت و جواز اخبار از احکام فلکی را بدین صورت می‌توان ارائه نمود که قائلان به حرمت، اخبار از احکام فلکی را حرام می‌دانند در صورتی که به کفر و یا شرک منجم منتهی شود و قائلان به جواز، اخباری را جایز دانسته‌اند که چنین اثری نداشته باشد، اگرچه نظریه سید مرتضی را به دشواری می‌توان با نظریه جواز اخبار از احکام فلکی جمع نمود که اگر نظریه ایشان را

به صورت مستقل در مقابل سایر نظریات لحاظ گردد، امر نادرستی نخواهد بود. تنها توجیهی که در رابطه نظر سید مرتضی به نظر می‌رسد این است که ممکن است ایشان با اصل نجوم مخالفت نداشته است، بلکه با نجومی که در زمان ایشان مورد استفاده قرار می‌گرفته مخالف بوده است.

در هر صورت نظریه صحیح در باب نجوم چنین تقریر می‌گردد که اگر در اخبار از احکام فلکی هیچ‌گونه سببیتی چه جزء العله و چه تمام العله برای نجوم لحاظ نگردد، چنین اخباری حرام نخواهد بود و به نظر می‌رسد که چنین تقریری از موضوع تنجیم و حکم آن مورد اتفاق تمام فقها باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه، مترجم: دشتی، علی.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. اسلامی، رضا. (بی تا). گزارش علمی از کنفرانس اعتبار و جایگاه علم نجوم در تعیین ماه های قمری. بی جا: بی نا.
۴. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۱ق). مکاسب المحرمه و البیع و الخیارات. قم: منشورات دار الذخائر.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۶ق). فرائد الاصول. قم: انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. بهایی، بهاء الدین محمد. (۱۴۱۰ق). الحدیقه الهلایه. قم: مؤسسه آل البيت.
۷. بیرونی خوارزمی، ابوریحان. (۱۳۱۸). التفهیم لاوائل صناعه التنجیم. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: انتشارات دار العلم للملایین.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق). هدایه الأئمه إلى أحكام الأئمه. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: انتشارات مؤسسه آل البيت.

۱۱. حسن زاده، امیر. (۱۳۸۷). ماه نو مبانی علمی رؤیت هلال. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۲. حسینی روحانی، سید صادق. (بی تا). منهاج الصالحین. بی جا: بی نا.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: انتشارات مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق). تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة. قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۷. حلّی، رضی الدین علی. (۱۳۶۸). فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم - معرفه نهج الحلال من علم النجوم. قم: انتشارات دار الذخائر.
۱۸. حلّی، مقداد بن عبد الله. (۱۴۲۵ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی
۱۹. خرازی، محسن. (۱۴۰۰ق). تنجیم و ستاره شناسی، مجله فقه اهل بیت علیه السلام. قم: انتشارات مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیه السلام.
۲۰. خمینی، روح الله. (۱۴۰۹ق). تحریر الوسيلة. قم: انتشارات مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۲۱. خویی، سید ابو القاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: نشر مدينة العلم.
۲۲. خویی، سید ابو القاسم. (۱۴۱۳ق). المکاسب - مصباح الفقاهة. بی جا: بی نا.
۲۳. راوندی، سعید بن عبد الله. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۲۴. سمیعی، محمد. (۱۳۸۳). نجوم جدید و فقه. تهران: تحقیقات اسلامی.
۲۵. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. قم: انتشارات دار القرآن الکریم.
۲۶. سیستانی، سید علی. (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین. قم: انتشارات دفتر حضرت آية الله سیستانی.

۲۷. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۰۰ق). القواعد و الفوائد. قم: انتشارات کتابفروشی مفید.
۲۸. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۹. شهید ثانی (عاملی)، زین الدین بن علی. (۱۴۱۹ق). فوائد القواعد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۰. شهیدی تبریزی، میرزا فتاح. (۱۳۹۴). هدایه الطالب الی اسرار المکاسب. قم: سماء قلم.
۳۱. شیرازی، میرزا محمد تقی. (۱۴۱۲ق). حاشیة المکاسب. قم: منشورات الشریف الرضی.
۳۲. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). إعتقادات الإمامیه. قم: انتشارات کنگره شیخ مفید.
۳۳. طباطبایی قمی، سید تقی. (۱۴۱۳ق). عمده المطالب فی التعلیق علی المکاسب. قم: کتابفروشی محلاتی.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: انتشارات دار الثقافة.
۳۵. عاملی حسینی، سید جواد بن محمد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الكرامة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
۳۸. قرضاوی، یوسف. (۱۴۲۲ق). تیسیر الفقه للمسلم المعاصر. بی جا: مؤسسه الرساله.
۳۹. قمی، ابونصر حسین، (حسن) بن علی منجم. المدخل الی علم احکام النجوم. [نسخه خطی]. تهران: مجلس شورای ملی.
۴۰. کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۱. گمینی، امیرمحمد. (۱۳۹۷). علمای امامیه و نجوم جدید در ایران قصر قاجار. شماره ۱، تهران: تاریخ علم.
۴۲. لاری، سید عبد الحسین. (۱۴۱۸ق). التعلیق علی المکاسب. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

۴۳. مازندرانی خاتون آبادی، اسماعیل. (۱۴۱۱ق). الرسائل الفقہیہ. قم: انتشارات دارالکتاب الاسلامی.
۴۴. مامقانی، محمدحسن بن الملا عبداللہ. (۱۳۱۶ق). غایۃ الآمال فی شرح کتاب المکاسب. قم: مجمع الذخائر الإسلامیة.
۴۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴۶. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۷. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تصحیح اعتقادات الإمامیة. قم: انتشارات کنگره شیخ مفید.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶ق). أنوار الفقاهة - کتاب التجارة. قم: انتشارات مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
۴۹. منتظری، حسین علی. (۱۴۱۵ق). دراسات فی المکاسب المحرمة. قم: نشر تفکر.
۵۰. میرسلیم، سید مصطفی. (۱۳۸۴). «تقویم و فتوا». تهران: مجله تحقیقات اسلامی. سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۳۳-۴۴.
۵۱. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۲. واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵۳. وکیل، محمد حسن. (۱۳۹۷). عیار تجربه. مشهد: انتشارات مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی.
۵۴. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (۱۴۰۰ق). منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة. تهران: مکتبة الإسلامیة.
۵۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.